

# فضاحت جدید

## جبهه هماهنگی

امیر فیض - حقوقدان

چندی قبل بوسیله جاوید ایران، کاستی منتشر شد که آقایان نصر اصفهانی و نادر پیمانی از تشکل جدیدی بنام جبهه هماهنگی، خبر میدادند در آن اجلاس عده ای از سلطنت طلبان هم اعلام همبستگی خودشان را در معرض نمایش گذاشتند.

تحریر حاضر ممتخر به تقدیم و توجه سلطنت طلبانی است که در آن برنامه سازمان خودشان را معرفی و نشان دادند که ارجدار و وفادار به سلطنت مشروطه ایران و پادشاهان پهلوی هستند.

زان حدیث تلخ میگویم ترا      تاز تلخی ها فرو شویم ترا

توز تلخی چون که دل پر خون شوی      پس ز تلخی ها همه بیرون شوی

( حکیم مولوی )

سروران و گرامی یاران ایران شاهنشاهی

منشور و اصولی که سند وابستگی و پیوستگی شما به جبهه هماهنگی شده است مشتمل بر ۵ فراز است

فراز نخست آن استقلال و تمامیت ارضی کشور است

فراز دوم جدائی دین و مذهب از حکومت

فراز سوم رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر

فراز چهارم براندازی رژیم غاصب جمهوری اسلامی

فراز پنجم تعیین رژیم آینده کشور بوسیله همه پرسی

### فراز یکم استقلال و تمامیت ارضی

استحضار و دانش سیاسی آقایان محترم پشتوانه این واقعیت است که **استقلال و تمامیت ارضی کشور از قوانین ارگانیکی و بنیادی است** یعنی تغییر و یا جایگزینی آن با چیز دیگری خارج از صلاحیت سازمان های سیاسی و حتی حقوق ملت است به همین اعتبار در قانون اساسی و متمم آن اشاره ای به استقلال و تمامیت ارضی نشده و تنها در سوگند سلطنت است که **حفظ استقلال ایران از موارد مهمه سوگند سلطنت قرار گرفته است.**

بنابراین ذکرش بعنوان یکی از ارکان و شرائط وابستگی در اسناد سیاسی یک سازمان سیاسی **امری نمایشی** و برای ایجاد و جاهت ملی و وطن پرستی است، در حالیکه اصل، وجود آن در همه سازمان های سیاسی است مگر خلاف آن ثابت شود.

همانطور که تاکنون سازمانی دیده نشده که رکن وابستگی و عضویت را از دست دادن استقلال کشور قرار دهد؛ عکس آنهم ذکر اضافی و تصنعی و برای پوشش مقاصد دیگر است.

## فراز دوم جدائی دین و مذهب از حکومت

این چنین خواسته ای که ملات همبستگی اعلام شده است آرمان محسوب نمیشود زیرا ۷۰ سال از عمر مشروطیت ایران تا سال ۱۳۵۷ سکولاریسم در مفهوم جدائی دین و مذهب از حکومت، درخششی تام در تارک حقوق اجتماعی و سیاسی کشور ما داشته است.

بصیرت و بیضاعت وافر آقایان، مجاز نمیسازد که حقیقت بالا باشکوفانی بیشتری همراه شود فقط تجدید یادی از این بیان شاهنشاه آریامهر قناعت لازم را ارزانی مامیسازد.

**«بهمان اندازه که ما می‌گوئیم کار دولت از کار مذهب جداست و اختلاطش را چند سال قبل دیدیم که چه نتایج داشت و بهمان تناسب در آن سخت گیری می‌کنیم و کار دین را از دولت جدا می‌کنیم، به‌همان نسبت مردم رابه دین داری تشویق می‌کنیم»**  
(شاهنشاه آریامهر سال ۱۳۴۹)

سند حقوقی سکولاریسم نظام سلطنت مشروطه ایران، تداوم اجرایی قانون اساسی و متمم آن در طول عمر ۷۰ ساله آن منهای تنها یک دوره اول قانونگزاری بوده است.

بنابراین حکم غاصب بودن جمهوری اسلامی متضمن این معنای حقوقی هست که باقرار گرفتن قانون اساسی مشروطه در جایگاه حقوقی خود بعد از خلع ید از غاصب، نظام سکولار بطور طبیعی به تداوم و مشروعیت قانون خود ادامه خواهد داد.

علت اینکه در این سالها برخی افراد جدائی دین از حکومت را بعنوان یک آرمان سیاسی پنداشته اند این است که آنها قائل به حقانیت رژیم سلطنت مشروطه و غیر مشروع و غاصب بودن جمهوری اسلامی نیستند؛ آنها با حاکمان جمهوری اسلامی مشکل دارند و به کلامی آشنا آنها **شورش ۵۷ را انقلابی برحق و قانون اساسی و جمهوری برخاسته از آنرا مشروع و رژیم سلطنت مشروطه ایران را غاصب و نامشروع میدانند** و لاجرم، آنان خواستار اصلاحی در قانون اساسی جمهوری اسلامی هستند که در آن حکم سکولاریسم پیاده شده باشد، خواسته ای که با آرمان سلطنت طلبی و حقانیت پادشاهی مشروطه ایران کاملا مغایر است.

## فراز سوم رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر

رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر یک آرمان تصدیق شده است که عموم کشورها از جمله ایران شاهنشاهی و حتی همین جمهوری اسلامی غاصب هم مکلف به رعایت آن می‌باشد، بنابراین چیزی که رعایت آن، الزامی ملتها باشد قرارداد آن بعنوان فرمان یک سازمان و همچنین شرط همبستگی شرط نامعقولی است.

اگر این روزها ذکر این فراز، مطلوب افتاده، علتش بی اعتنائی جمهوری اسلامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر است و این بی اعتنائی تأثیری در فراگیری آن اعلامیه بمناسبت تانید کشورها از جمله ایران ندارد.

## فراز چهارم - براندازی جمهوری اسلامی

ملتهای متمدن حقوقی و دمکرات، حتی افراد دمکرات از برنامه براندازی که متضمن اعمالی است که خارج از چارچوب اعلامیه حقوق بشر است استقبال نمیکنند و همچنین نمیشود هم برنامه و آرمان یک سازمان سیاسی رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد و هم براندازی، این دو منافات دارد.

براندازی وقتی صورت قانونی پیدا میکند که تصرف قدرت برخلاف حق، قانون و یا شرع باشد در تطبیق مورد براندازی جمهوری اسلامی برای کسانی حق مشروع محسوب میشود که آنها عدم مشروعیت و ناحق بودن شورش ۵۷ را معتقدند همانطور که افرادی که حق تصرف آنها بر مال و یا حقی بوسیله ثالثی غصب شده قانون و سنت و شرع به آنها حق داده که

خلع ید از غاصب رابخوانند، همانطور هم مدعیان غاصب بودن جمهوری اسلامی اول باید از جمهوری اسلامی بخوانند که ترک تصرف غاصبانه کند که این مهم در سالهای گذشته بوسیله اعلیحضرت اعلام گردید و سپس وارد فاز براندازی بشوند.

مفهوم از براندازی ناشی از غصب، رسیدن حق به صاحب حق و متصرف قبلی است، بنابراین ناگفته پیداست که مقوله مزبور یعنی جایگزینی متصرف اصلی در جایگاه غاصب با ادعای همه پرسى منافات دارد در مثل، مانند آن است، کسی که مدعی است خانه اش غصب شده بعد از خلع ید از غاصب، بجای تصرف خانه خود از همسایگان پرسش کند که آیا حق تصرف در خانه را دارد یا خیر البته برای کسانی که رژیم سلطنت مشروطه ایران را غاصب میشناختند در احوالات جمهوری اسلامی حرف دارند خواست همه پرسى مسموع است.

**حاشیه** - اجازه فرمائید بابتی میلی همراه باتاسف این حقیقت ناخوشایند بازگوشود که حساسیت موضوع چنان است که همین صبحت های همه پرسى، حقانیت تداوم مشروعیت سلطنت رازیرسوال میبرد و تاچه رسد به اصرار در اجرا زیرا <حق استوار و قانونی فارغ از شبهه و تردید است> و همه پرسى و اظهار رضایت به آن نوعی رفع شبهه از حق به حساب میاید (پایان حاشیه)

### پنجم همه پرسى برای تعیین رژیم

عرض و ارائه دلیل شد که استقلال از قوانین بنیادی است و در کلامی دیگر نص ثابت و کهن فرهنگی، آنرا پشتیبانی میکند

عرض شد که رعایت حقوق بشر ناشی از عهدنامه های بین المللی و منشور سازمان ملل متحد است.

عرض شد که جدائی دین از حکومت متکی به سابقه اجرایی قانون اساسی و متمم آن است با عمر ۷۰ ساله

عرض شد که براندازی جمهوری اسلامی به عبارت غصب، با همه پرسى منافات دارد.

اکنون این تحریر جسارتا سوال میکند که مبانی حقوقی و تاریخی و هویتی همه پرسى نسبت به رژیم سلطنتی چیست که شما به آن اعتقاد بسته اید؟ و این خواسته آقایان از کدام قانون اساسی و متمم و یا باصطلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی و یاسنت ۲۵۰۰ ساله سلطنت ایران و حتی روال سلطنت در کشورهای پادشاهی جهان نشئت یافته است؟

اگر این چنین خواسته ای محل حقوقی و سنتی و شرعی ندارد، که ندارد، پس نظراست و در نهایت، حکم وجدان سیاسی جزاین نیست که اگر ما توانایی حفظ حقانیت تداوم نظام سلطنت مشروطه رانداشته باشیم نباید حقانیت و مشروعیت آنرا به اعتبار نظر و تصدیق های خودمان متزلزل سازیم.

### خواسته مشخص و قانونی و مشروع

بانیم نگاه فکری، با این حقیقت همراه خواهیم شد که حراست تام و تمام از استقلال و تمامیت ارضی در متمم قانون اساسی در ردیف وظائف پادشاه قرار گرفته است، همچنین سکولاریسم در تداوم اجرایی قانون اساسی مشروطیت ایران بدون هیچگونه منازعه و یا اعتراضی جاری بوده است، و نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر در حدی که بتصدیق و قبول سازمان ملل متحد رسیده در تنظیم متمم قانون اساسی رعایت شده است.

و مهمتر اینکه فلسفه سیاسی و مبارزاتی آقایان محترم بر پایه غصب رژیم سلطنتی است یعنی حقیقتی که اسناد بسیار محکم، اصالت غصبیت رابه اثبات رسانیده است.

لذا آرمان واقعی و اصل مبارزه همه ما متکی بر یک اصل، آنهم براندازی رژیم غاصب جمهوری اسلامی است که حاصل آن استقرار تداوم اجرایی قانون اساسی و متمم و نظام سلطنت مشروطه میباشد.

<آب در کوزه و گرد جهان گردیدن> مصداق ماست که بر ماست.

**فضاحت و رسوائی**

امیدوارم سلطنت طلبان محترم با این عقیده همراه باشند که فضاحت و رسوائی از آن بیشترین است که انسان سی و چند سال از آزمون نامناسب و شکست خورده ای پند و تجربه لازم رانیاموزد.

چندسال قبل < گری سیک > آمریکائی گفت: < ایرانیان نمیدانند که چه رژیمی میخواهند > این ادعای مقرون به حقیقت که اهانتی جامع هم هست متأسفانه دقیقاً الگوی «جبهه هماهنگی» هم هست زیرا گروههای وابسته به جبهه که قاعدتا باید برجستگان و فرهیختگان سیاسی هم باشند هستند؛ نمیدانند که چه رژیمی رامیخواهند و از همه پرسى برای رسیدن به این دانائی کمک میخواهند.

درسی و چند سال قبل دکتر صدیقی در رابطه باتظاهرات گفته بود <..... اینها نمیدانند چه میخواهند > بعد از سی و چندسال از آن تاریخ «جبهه هماهنگی» نشان داد که شعور و درک سیاسی اش تغییری نکرده و اینان هنوز هم نمیدانند که چه میخواهند.

دقیقاً معلوم است که علاقه آقایان محترم به نجات ایران حالتی رابوجود آورده که <الغریق ویتشبت بکل حشیش> را تداعی میکند یعنی بهره‌چیزی که نام نجات ایران راداشته باشند کشیده میشوند.

یکی از محققین خارجی ( لرمانتوف ) تمثیلی در این مورد دارد که نمیتواند در عشق به نجات ایران ملحوظ نظر قرار نگیرد میگوید <ارابه ای اگر به یک مار، یک خرچنگ و یک مرغابی بسته شود و آنها را رها کنند مار به سمت خاک میرود و مرغابی به سمت آسمان پرواز میکند و خرچنگ به سوی دریا و در نتیجه ارابه در زمین و آسمان معلق میماند >

**بند و بست چند تن ناسازگار                      چیست دانی؟ دولت ناپایدار                      ( دکتر آذرخشی )**

یعنی راهی که سی و چند سال است مبارزه رفته و همچنان در اول راه مانده و اکنون هم آقایان محترم به ادامه آن رغبت یافته اند.

**جبهه هماهنگی و کنگره هماهنگی**

در گذشته هارسم بر این بود هر دسته ای که در مراسم عزاداری امامان دسته های بیشتری راجمع میکرد و زیر کتل خود درمیآورد، طاق شال عزاداری به آن تعلق میگرفت. حالیه هم وضع فرق نکرده و هر گروه که اسما گروهی بیشتری را صورت بدهد از بودجه مخصوصی که آمریکا برای این منظور و منظورهای خاص ترتیب داده استفاده خواهد کرد در این مقوله چه بسا سازمان ها و افرادی عامل و مهره اند، در حالیکه ممکن است قصد واراده در مشارکت چنین خیانتی را نداشته باشند.

یادتان هست که آقای نصرافهانی در سال ۱۳۸۶ به اتکاء عضویت ۳۵ سازمان و گروه سیاسی، در کاخ سفید در بعد از ظهر ۲۰ جولای ۲۰۰۶ با حضور آقای برنر معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا شرکت کرد؟ (بنا بر اعلام کنگره همبستگی ایرانیان) با خواسته های ایشان آشناشویم:

۱- پیروان دمکراسی نیاز دارند به همان کمکی که دنیای آزاد به فعالین شوروی و لهستان و آفریقای جنوبی کرد ما نیاز داریم به کمک قوی و مستمر برای پیروان دمکراسی و ما همچنین نیاز داریم به حد اکثر فشار به جمهوری اسلامی.

۲- تمام امکانات و وسائل ممکنه باید بکار گرفته شود برای فشار به جمهوری اسلامی برای آزاد سازی زندانیان سیاسی، همچنین فشار به کمپانی هابرای توقف معاملات با ایران (یعنی تحریم های اقتصادی یکطرفه) (اطلاعیه اول امرداد ماه سال ۸۵ کنگره همبستگی ایرانیان)

البتة باتشکیل جبهه هماهنگی ورویداد های لیبی و سوریه، الگوی کشورهای شوروی و لهستان و آفریقای جنوبی جای خودشان را به الگوی فعالین سوریه و لیبی خواهند داد.

خوانندگان محترم این تحریر فراموش نفرمائید که دکان جدید آقای نصر اصفهانی بعد از اظهار نظر و شرط خانم کلینتون دائر به کمک متقاضیان کمک؛ افتتاح شد.

**حاشیه** - بنده نفهمدم و انتظار تفهیم دارم در حالیکه در سال ۸۶ بنابر اعلام آقای نصر اصفهانی ۳۵ سازمان و حزب و گروه سیاسی با باورهای سیاسی گوناگون کنگره همبستگی ایرانیان را تشکیل داده اند چگونه «جبهه هماهنگی همبستگی ایرانیان» که بنابر ادعا از ۲۴ سازمان با عقاید مختلف در ماه قبل در کنگره همبستگی ادغام و همبسته شده اند بجای اینکه ۶۹ سازمان و گروه باشند به ۲۴ گروه تقلیل یافته است (پایان حاشیه)

### هدف نهائی از بازار همه پرسی

ایران یاران گرامی

هدف نهائی در تمام برنامه های مربوط به همه پرسی که سعی میشود بامشارکت سلطنت طلبان جریان یابد فقط این است که تداوم حقانیت سلطنت ایران باموافقت اعلیحضرت یعنی متصدی سلطنت و همیاری سلطنت طلبان به اجرا درآید تا حرف و حدیثی بعد آن نباشد.

سابقه این کار متوجه سلطنت ۱۰۰۰ ساله ایتالیاست که بابرنامه آقای دوگاسپری نخست وزیر وقت ایتالیا، با همه پرسی، ایتالیای سلطنتی رابه جمهوری تبدیل ساخت. عجیب تصادف روزگار است!! که نقش آقای نصر اصفهانی که روزی وزیر سلطنت مشروطه ایران بوده است بابرنامه اجرا شده دگاسپری هماهنگ و تشابه جدی دارد.

(علاقمندان به نقش دوگاسپری در تبدیل سلطنت ایتالیا به جمهوری از طریق همه پرسی، در صورت تمایل میتوانند از جاوید ایران درخواست انتشار آنرا بنمایند)

توفیق همه ما در عدم موفقیت و مشارکت در این مسیر خاناناه، انتظار و آرزوی ایران افتاده است

با احترام حضور سروران - امیرفیض